

فهرست

■ پایه دهم

- درس اول (مرور قواعد سال‌های هفتم تا نهم) ۱۰
درس دوم (الأعداد مِنَ الواحدِ إِلَى المِئَةِ) ۵۳
درس‌های سوم و چهارم (الفعل الثلاثي المجزء والمزید و الفعل الأوزم و الفعل المتعدّي) ۷۱
درس پنجم (الجملة الفعلية و الجملة الاسمية) ۱۰۰
درس ششم (إعراب أجزاء الجملة الاسمية و الفعلية) ۱۱۶
درس هفتم (الفعل المجهول) ۱۲۷
درس هشتم (الجازر و المجزور و نون الوقاية) ۱۳۸

■ پایه یازدهم

- درس اول (اسم التفضيل و اسم المكان) ۱۵۰
درس دوم (اسم الفاعل و اسم المفعول و اسم المبالغة) ۱۶۰
درس سوم (أسلوب الشرط و أدواته) ۱۷۵
درس چهارم (المعرفة و التكررة - ترجمة الفعل المضارع (۱)) ۱۸۵
درس پنجم (الجملة بعد التكررة) ۱۹۸
درس ششم (ترجمة الفعل المضارع (۲)) ۲۰۵
درس هفتم (معاني الأفعال الناقصة) ۲۱۴

■ پایه دوازدهم

- درس اول (معاني الحروف المشبهة بالفعل و لا النافية للجنس) ۲۲۵
درس دوم (الحال) ۲۳۹
درس سوم (الإستثناء و أسلوب الحصر) ۲۴۹
درس چهارم (المفعول المطلق) ۲۵۶
درس پنجم (أسلوب التداء) ۲۶۶

■ ضمائم

- الإعراب و التحليل الصرفي ۲۷۲
صَبَط حركات الكلمات ۲۸۴

الجارّ و المجرور و نون الوقاية

مباحث پیش نیاز: (۱) شناخت سایر حروف «وَف، إِلاّو...» (۲) آشنایی با علامت‌ها در عربی

قواعد این درس دارای دو موضوع پرکاربرد در زبان عربی است. یکی حروف محترم جازه (جَزّ) و دیگری یک حرف گرامی یعنی نون (ن) وقایه! در زبان عربی به کلماتی که به تنهایی معنایی ندارند ولیکن در کنار سایر کلمات معنایشان مشخص می‌شود، حَرَف می‌گویند.

۱. حروف جَزّ

حروف دارای انواع مختلفی هستند که در این درس با مهم‌ترین نوع آن‌ها یعنی حروف جَزّ آشنا می‌شویم: این حروف تقریباً معادل حروف اضافه در زبان فارسی هستند و هر اسمی پس از آن‌ها بیاید، «مجرور» نامیده می‌شود، چرا که علامت آخر آن اسم تغییر می‌کند و معمولاً به صورت کسره (ـِ) یا تنوین جَزّ (ـٍ) می‌شود و اگر آن مثنی باشد آخرش «ین» و اگر جمع مذکر باشد آخرش «ین» می‌گیرد.

ترکیب حروف جَزّ و اسم بعدی در زبان عربی «جار و مجرور» نامیده می‌شود که معادل گروه متمم زبان فارسی یعنی «حرف اضافه + اسم بعدی» است.

وَمَثَلٌ بِالْقَلَمِ: با مداد، إِلَى الْمَدْرَسَةِ: به مدرسه

در جدول زیر مهم‌ترین حروف جَزّ به همراه معانی آن‌ها را می‌بینیم:

توضیحات	ترجمه	حرف جرّ
ممکن است برای بیان جنس یا مکان هم به کار رود.	از	مِنْ
هم به معنای «داخل» هم به معنای مرتبط بودن به کار می‌رود.	در	فِي
هم برای مکان هم برای زمان کاربرد دارد.	به، به سوی، تا	إِلَى
اگر به اسم یا ضمیری بچسبید، به معنای «باید» می‌شود.	بر، روی، به زیان	عَلَى
	به وسیله، در	بِـ
	برای، از آن، داشتن، به سود	لِـ
	از، درباره	عَنْ
	مانند	كَـ

مثال‌هایی از حروف جرّ در این درس را با هم مرور کنیم:

فِي السَّمَاءِ: در آسمان - عَنِ الدُّلَفِينِ: درباره دلفین - مِنَ العَرَقِ: از غرق شدن - إِلَى الشَّاطِئِ: به سوی ساحل - عَلَى هَذَا: بر این - لَهُ ذَاكِرَةٌ: حافظه‌ای دارد - فِي مَوْسُوعَةٍ: در یک دانش‌نامه - بِاسْتِخْدَامِ: با به‌کارگیری - كَالطَّيُورِ: مانند پرندگان - لِلدُّلَفِينِ: برای دلفین‌ها، دلفین‌ها دارند - إِلَى المُسْلِمِينَ: به سوی مسلمانان - عَلَى الوَالِدَيْنِ: بر پدر و مادر - مِمَّا (مِنْ + ما): از آن‌چه - مِنْ فِضَّةٍ: از جنس نقره - مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ: از صبح تا شب - عَلَيْكُمْ: شما باید - لَكَ: به سود تو - عَلَيْكَ: به زیان تو - عَلَى المِنْصَدَةِ: روی میز - بِبَدْرٍ: در جنگ بدر - لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ: هر گناهی توبه دارد. - عَنْ عِبَادَةٍ: از بندگانش - كَفَضِلِ النَّبِيِّ: مانند برتری پیامبر - فِيهَا: در آن - بِرَحْمَتِكَ: به مهربانیت - بِلا عَمَلٍ: بدون عمل - هَبْ لِي: به من بخش - لِلنَّاسِ: با مردم - لِمَنْ: به کسانی - فِي صَحِيفَةٍ: در روزنامه‌ای.

تمرین ۱

عَيْن ما كلّه حروف جازة:

(۱) عَن - فِي - لَ - مِنْ - بِ -

(۲) كَ - إِلَى - إِنَّ - فِي - عَلَى

پاسخ ۱ در گزینه (۲) حرف «إِنَّ: اگر»، حرف جازّه نیست بلکه حرف جازمه است که قبل از فعل مضارع آمده و آن را مجزوم می‌کند.

تمرین ۲

كَمْ حَرْفًا جازًا جاء في هذه العبارة:

«لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانٍ سَقُوطِ طَائِرَةٍ وَ تُؤَدِّي دَوْرًا مَهْمَمًا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ.»

(۱) واحد (۲) اثنان

(۳) ثلاثة (۴) أربعة

پاسخ ۲ حروف جرّ موجود در عبارت:

(۱) «ل» در «له» (۲) «إلى» (۳) «في»

به ترکیب «حرف جرّ + اسم بعدی»، جار و مجرور گفته می‌شود. این عبارت دو کلمه‌ای، گاهی در جملات، نقش (محلّ اعرابی) می‌گیرد که معمولاً «خبر» است.

مثال ۱ المَعْلَمُ في الصَّفِّ.

مبتدا خبر

۱- گزینه «۱»

۲- گزینه «۳»

نکته

- ۱ جار و مجرور هیچ‌گاه سایر نقش‌ها مانند فاعل، مفعول، مبتدا، صفت، مضاف‌الیه و ... نمی‌گیرد.
- ۲ حروف جرّ اگر به اسم بعدی بچسبند، معمولاً در جمله از چشمان تیزبین شما مخفی می‌مانند، پس به شدت مراقب آن‌ها باشید.
مثل: «مِنْكَ، فِيهِ، إِلَيْنَا، عَلَيْكُمْ، بِالْقِيَامِ، لِي، عَنْهُمْ، كَالْإِنْسَانِ».
- ۳ حرف جرّ «لِ: برای» اگر به ضمائر بچسبند، به صورت «لِ» نوشته می‌شود؛ مثل: لَكَ، لَهُ، لَنَا و ...

معنای «لِ»: حَرَفِ جَرِّ «لِ» اگر به اسم یا ضمیری بچسبند می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد که عمدتاً در تست‌های ترجمه مورد پرسش قرار می‌گیرد:

۱ به معنای «برای، از آن، مال» **مثال:** ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينٌ﴾: «دین شما، از آن خودتان و دین من از آن خودم است.»

۲ به معنای «داشتن» یعنی به صورت «دارم، داری، دارد، داریم، دارند، دارند» ترجمه می‌شود.

«مثال»: لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ: هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.
لِي سَيَّارَةٌ جَمِيلَةٌ: ماشین زیبایی دارم.

۳ به معنای «به سود» **مثال:** فَمَنْ أَضَرَّ فَلِنَفْسِهِ: پس هر کس بینا گشت به سود خودش است.

معنای «عَلَى»: حرف جرّ «عَلَى» نیز اگر به اسم یا ضمیری بچسبند می‌تواند معانی مختلفی داشته باشد که این‌ها هم بیشتر در تست‌های ترجمه به کار گرفته می‌شود.

۱ به معنای «بر»؛ **مثال:** النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ: مردم بر دین پادشاهانشان هستند.

۲ به معنای «روی»؛ **مثال:** الْحَقِيبَةُ عَلَى الْمُنْصَدَةِ: کیف، روی میز است.

۳ به معنای «به زیان»؛ **مثال:** ﴿وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا﴾: «و هر کس نابینا شد به زیان خودش است.»

الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيكَ: روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.

۴ به معنای «باید، بر شماس است»؛ **مثال:** عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ: شما باید به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید، بر شماس است پایبندی به صفات برتر اخلاقی. «مَنْ»: حرف جرّ «مِنْ» گاهی معنای زمان دارد، گاهی معنای جنس، گاهی معنای مکان و ...

«**وَمَثَلُ**» ﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾: دست‌بندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَا: از این جا تا آن جا

مِنَ السَّاعَةِ السَّادِسَةِ حَتَّى الْآنَ: از ساعت شش تا اکنون

» نکته

۱ اگر پس از حروف جرّ، یک اسم ظاهر بیاید، مجرور می‌شود؛ یعنی

علامت آخر آن، به یکی از اشکال زیر درمی‌آید:

■ اسم مفرد یا جمع مکسر: — یا — **مثال:** فِي الْمَدْرَسَةِ، عَنْ مَعْلَمٍ

■ اسم مثنی: **مِثْنِ** **مثال:** عَلَى الْمِنْصَدَتَيْنِ

■ اسم جمع مذکر سالم: **بَيْنَ** **مثال:** لِلْمُسْلِمِينَ

۲ گاهی حروف جرّ در کنار سایر اسم‌ها و حروف آمده و با آن‌ها

ترکیب می‌شوند، به همین دلیل به طور واضح مشخص نیستند. یک بار

مهم‌ترین آن‌ها را مرور کنیم.

عبارت	تجزیه شده	ترجمه
مِمَّنْ	مِنْ + مَن:	از کسی که، از چه کسی، از هر کس
مِمَّا	مِنْ + مَا:	از چیزی که، از چه چیزی، از هر چیز
مِنِّي	مِنْ + ن (وقایه) + ضمیر «ی»:	از من، از خودم
فِيَّ	فِي + ضمیر «ی»:	در خودم، با خودم
إِلَيَّ	إِلَى + ضمیر «ی»:	به سوی من، به من
عَلَيَّ	عَلَى + ضمیر «ی»:	بر من، روی من؛ این اسم را با «عَلَيَّ» اشتباه نگیرید!
عَمَّنْ	عَنْ + مَن:	از کسی که، درباره کسی که، از چه کسی، درباره چه کسی، از هر کس، درباره هر کس.
عَمَّا	عَنْ + مَا:	از چه چیزی، درباره چه چیزی، از هر چیز، درباره هر چیز، از چیزی که، درباره چیزی که
عَنِّي	عَنْ + ن (وقایه) + ضمیر «ی»:	از من، درباره من
عَنَّا	عَنْ + نا:	از ما، درباره ما
لِأَنَّ	لِ + أَنَّ:	برای این که، زیرا، چون
كَأَنَّ	كَ + أَنَّ:	مثل این که، گویا

۳ حرف «و» در عربی سه نوع است که یکی از انواع آن همان «و» فارسی است، مثل: «حَمِيدٌ وَعَلِيٌّ: حمید و علی»؛ نوع دیگر آن حرف جَرّ معروف به «واو قَسَم» است که به معنای «سوگند به، قسم به» می‌باشد، مثل: «وَ الْعَصْرِ: قسم به روزگار» (البته این «و» در کتاب درسی نیامده اما چون در متن‌ها وجود دارد باید آن را تشخیص دهیم)، نوع سوم که در سال دوازدهم یاد می‌گیرید واو حالیه است که در ابتدای جمله حالیه می‌آید و به معنای «در حالی که» است؛ مثل: جَاءَ الْمُعَلِّمُ وَ الطُّلَابُ صَامِتُونَ: معلم آمد در حالی که دانش‌آموزان، ساکت بودند.

تمرین

عَبَّيْنَمَا جَاءَ فِيهِ حَرْفُ الْجَرِّ:

(۱) الْعِلْمُ يَخْرُسُكَ وَ أَنْتَ تَخْرُسُ الْمَالَ!

(۲) رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِمَّنْ يُضِلُّنِي ضَلَالًا!

پاسخ ۱ در گزینه (۲)، «مِمَّن» یک جار و مجرور است: «مِن (از) + مَن (کسی که)» // در گزینه (۱)، حرف «و» حرف جَرّ نیست؛ چون معنای «سوگند» ندارد!

۲. «نُونُ الْوَقَايَةِ»

در زبان عربی یک حرف «ن» وجود دارد که با سایر نون‌ها متفاوت است. چیزی در حدّ تفاوت نون سنگک داغ با نون خشک داخل فریزر! این حرف «ن» زمانی دیده می‌شود که ضمیر «ی» به معنای «من را» به آخر فعلی متصل شود. در این حالت، میان فعل و ضمیر «ی» از «ن» وقایه استفاده می‌کنیم. دلیل این کار فقط و فقط تلفّظ راحت‌تر است و هیچ تأثیری در ترجمه ندارد.

۱- گزینه «۱»

«مثال»

إِجْعَلْ	←	(قرار بده) + ي (من را)
عَلَّمْتَ	←	(یاد دادی) + ي (به من)
إِنْصَحُوا	←	(نصیحت کنید) + ي (من را)
أَعْطَى	←	(داد، بخشید) + ي (به من)
إِسْأَلُوا	←	(پرسید) + ي (از من)
عَرَّفَني	←	(معرفی کن) + ي (به من)

«نکته»

حرف «ن» وقایه گاهی بین فعل و ضمیر «ي» نمی آید؛ بلکه بین حرف جرّ یا حرف مشبّه بالفعل و ضمیر «ي» می آید.

«مثال» لَيْتَنِي: لَيْتَ (ای کاش) + ن (وقایه) + ي (من)

عَنِّي: عَن (از، درباره) + ن (وقایه) + ي (من)

مَنِّي: مَن (از) + ن (وقایه) + ي (من)

إِنِّي = إِنِّي: إِن (بی گمان، قطعاً) + ن (وقایه) + ي (من)

«تمرین»

عَيِّنْ مَا لَيْسَ فِيهِ نُونُ الْوَقَايَةِ:

(۱) ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَ أَلْجِفْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾

(۲) يَا أُخْتِي لَا تَحْزَنِي مِنْ صُعُوبَةِ الدَّهْرِ.

پاسخ ۱ در گزینه (۱): أَلْجِفْنِي (مرا پیوند بده): أَلْجِفْ + ن (وقایه) + ضمیر (ي)

در گزینه (۲): لَا تَحْزَنِي (غمگین نشو) یک فعل نهی است که «ن» جزء سه حرف اصلی آن است (حزن) و در اصل نیز «تَحْزَنِينَ» بوده است.

پرسش های تستی

۱- عَيْن ما لیس فيه نون الوقایة:

(خارج ۹۸)

- ۱) احمني و ولدي الصّغير يا أخي الكبير!
- ۲) أعني يا زميلي الحنون في حلّ هذه المسألة!
- ۳) ليتني كنتُ معك في هذه الحادثة حتّى أساعدك!
- ۴) أغنى من القناعة لا يجدُ التّاسُ كنزاً في حياتهم!

۲- عَيْن ما لیس فيه نون الوقایة:

(هنر ۹۸ نظام جدید)

- ۱) أحسني إلى المساكين دائماً يا أختي العزيزة!
- ۲) إلهي؛ أحبّك لأنّك تجعلني في أعين التّاس كبيراً!
- ۳) قد أعطاني والداي ما أحتاج إليه في طول الأيّام!
- ۴) إنتخبنتي هذه الأسرة لمساعدة أولادها في فهم الدروس!

۳- عَيْن ما لیس فيه «نون» الوقایة:

(فتی و حرفه ای ۸۹)

- ۱) قالت الأمّ لي: يا بنتي لا تضمّني أحداً لا تعرفينه أبداً!
- ۲) المُعلّمون إنتخبوني كتلميذٍ مثاليٍّ في الأخلاقِ و الدّرس!
- ۳) أهداني زميلي في يوم ميلادي أحسن هديّةٍ و هيّ الكتاب!
- ۴) يا أختي، هل تُساعديني في فهم هذا الدّرسِ فإنّهُ صعبٌ جدّاً!

۴- عَيْن ما فيه «الجاز و المجرور» أكثر:

- ۱) شرف المرء بالعلم و الأدب لا بالأضلّ و التّسب.
- ۲) فضّل العالم على غيره كفضّل النبيّ على أمته.
- ۳) زفّعني شيءٌ بغتةً إلى الأعلى ثمّ أخذني إلى السّاطئ.
- ۴) شاهدتُ فلماً عن الدّلفين الذي أنقذ إنساناً من الغرق.

۵- کَمْ حَرْفًا جَزَاءً فِي هَذِهِ الْعِبَارَةِ:

«لَمَّا اسْتَقَرَّتِ الْأَوْضَاعُ لِذِي الْقَرْنَيْنِ فِي بِلَادِهِ، سَارَ بِجِيوشِهِ الْعَظِيمَةِ نَحْوَ
الْمَنَاطِقِ الْعَرَبِيَّةِ مِنَ الْأَرْضِ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى التَّوْحِيدِ وَ مُحَارَبَةِ الظُّلْمِ وَالْفَسَادِ»
(۱) خَمْسَةٌ (۲) أَرْبَعَةٌ (۳) سِتَّةٌ (۴) سَبْعَةٌ

۶- عَيِّنِ الْعِبَارَةَ الَّتِي مَا جَاءَ فِيهَا «نُونٌ» الْوَقَايَةِ:

- (۱) جَلَسْتُ فِي مَكَانِي عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ!
- (۲) عَلَّمَنِي تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ أَيُّهَا الصَّدِيقُ لِأَنَّهُ خَيْرُ الْأُمُورِ!
- (۳) ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي﴾
- (۴) إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ!

پاسخ پرسش‌های تستی

۱- گزینه «۴» در گزینه (۱) فعل امر «إحْم: حمایت کن» به ضمیر «ی: مرا»

چسبیده و بین این دو «ن» وقایه آمده است. در گزینه (۲) فعل امر «أعِن: یاری کن» به ضمیر «ی» چسبیده و «ن» وقایه گرفته است. در گزینه (۳) حرف مشبه بالفعل «لیت: ای کاش» به ضمیر «ی» چسبیده و «ن» وقایه گرفته است.

۲- گزینه «۱» «أَحْسِنِي: نیکی کن» فعل امر از فعل مضارع «تَحْسِنِينَ: نیکی می کنی» برای صیغه للمخاطبة (مفرد مؤنث مخاطب) است.

در سایر گزینه‌ها «تَجْعَلْنِي» ترکیب «تجعل + ن + ی»، «أعطاني» ترکیب «أعطا + ن + ی» و «انتخبنتی» ترکیب «انتخبنت + ن + ی» است.

۳- گزینه «۱» حرف «ن» در «لا تُصْمِنِي: ضمانت مکن» و «لا تُعْرِفِين: نمی شناسی» به ترتیب جزء سه حرف اصلی و علامت صیغه این دو فعل است،

یعنی در حالت عادی وجود دارد و به عنوان «ن» وقایه اضافه نشده است.

۴- گزینه «۲» در این گزینه سه حرف جازه دیده می‌شود: عَلِي (بر، روی)، ك (مانند)، عَلِي (بر، روی)

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه «۱»: بِ (بِالْعِلْمِ)، بِ (بِالْأَصْلِ) / گزینه «۳»: إِلَى (به سوی)، إِلَى (به سوی)؛ «الْأَعْلَى: بالا، بالاتر» را با «عَلِي: بر، روی» اشتباه نگیرید. / گزینه «۴»: عَنْ (از، درباره)، مِنْ (از)

۵- گزینه «۱» پنج حرف جر در این عبارت دیده می‌شود. به ترتیب عبارت‌اند از: لِ (لِذِي)، فِي (فِي بِلَادِ)، بِ (بِجِيوشِ)، مِنْ (مِنَ الْأَرْضِ)، إِلَى (إِلَى التَّوْحِيدِ)

۶- گزینه «۱» در «مکانی: مکانِ من، جای من»، حرف «ن» برای خود کلمه است و «ن» وقایه محسوب نمی‌شود!